

کتاب‌های زنان بسیار پرفروش‌تر از آثار مردان بوده است

محمود فتوحی در بحث ویژگی‌های داستان‌پردازی زنانه در عین حال که معتقد است **کتاب‌های زنان** در ایرانِ سال‌های اخیر بسیار پرفروش‌تر از آثار مردان بوده است؛ یادآوری می‌کند که «رواج روزافزون اندیشه‌های فمینیستی و کثرت زنان رمان‌خوان، نسبت به مردان در ایران از عوامل اصلی فروش زیاد رمان‌های زنان است و سبک ساده‌نویسی نمی‌تواند عامل تعیین‌کننده‌ای باشد.»

این استاد زبان و ادبیات فارسی در کتاب «سبک‌شناسی (نظریه‌ها، رویکردها و روش‌ها)» (سخن، تهران، ۱۳۹۰)، در بخش **ویژگی‌های داستان‌پردازی زنانه** با این مقدمه که «ادبیات معاصر سیساله زنان فارسی‌زبان در داستان‌نویسی جهش چشم‌گیری داشته است. بنابراین اگر قرار باشد ادبیات زنان و زنانه‌نویسی فارسی را بررسی کنیم باید داستان‌نویسی زنانه را بیشتر از هر نوع ادبی دیگری در کانون مطالعات خود قرار دهیم. داستان‌نویسی زنان فارسی از دو جنبه قابل بررسی است یکی از نظر فرم و دیگری از نظر محتوا و درون‌مایه داستان‌نویسی.» به مساله فرم می‌پردازد و می‌نویسد: «زنان ایرانی در دو دهه اخیر مجموعاً بزرگی از ادبیات زنانه را منتشر کرده‌اند. در این مجموعاً بزرگ، محتوای زنانه در اولویت قرار گرفته است و جنبه هنری یعنی شگردهای بیانی، شکل و ساختار اثر ادبی در مرتبه دوم قرار داد. زنان ایرانی فرم ادبی نوینی که به نام فرم زنانه شناخته شود طرح نکرده‌اند. شرایط اجتماعی جدید در ایران فرصتی فراهم کرده تا داستان‌نویسان زن به «چه نوشتن» بیش از «چگونه نوشتن» اهمیت دهند. اشتهای بیان اندیشه‌ها و مصائب و مسائل زنانه، چنان شدت یافته که نیازی به کوشیدن برای فرم و ساختار ادبی احساس نمی‌شود. اگر این شور نهفته در نگارش زنان که برخاسته از شوق شکستن سدها و بازگویی خواسته‌های فروخورده است، شکل هنری پیدا نکند نوشتار زنان در درجه صفر سبک و هم‌سطح اسلوب نوشتاری روزنامه‌ای و خاطرات روزانه متوقف خواهد ماند. به‌ویژه آن‌که اگر حجم نوشته‌هایی آن چنین انبوه شود و در سبک و شکل نوشته‌ها تنوع پدید نیاید، از میراث زنانه‌نویسی فارسی، اثر ادبی ماندگاری پا به عرصه تاریخ ادبی نخواهد گذاشت.

در حال حاضر آنچه ادبیات زنان فارسی را از ادبیات مردانه جدا می‌کند درون‌مایه و محتواست و نه زبان، تکنیک و فرم؛ مثلاً منیرو

روانی‌پور که به سبک رئالیسم جادویی می‌نویسد و در آثارش فضای جنوب (بوشهر)، آیین‌های قومی و فرهنگ عامه و عناصر زبان محلی (مثلها و تکیه‌کلام‌ها و لحن جنوبی) را با مهارت به تصویر می‌کشد، در این سبک تفاوتی با نویسندگان مرد جنوبی ندارد؛ او را تنها به اعتبار جایگاه ویژه‌اش مسائل زنانه در داستان‌هایش، زنانه‌نویس می‌دانند.»

او در ادامه به ویژگی ساده‌نویسی از ویژگی‌های داستان‌پردازی زنانه چنین می‌پردازد: «سبک نویسندگی **زنان** عموماً ساده و عاری از تصنع است؛ زیرا چه گفتن در اولویت است تا چگونه گفتن. سبک‌های مصنوع و ترکیبی با جمله‌های بلند و واژه‌گزینی دشوار که در تاریخ‌نویسی، نگارش منشیا‌نه و وقایع‌نگاری دربارهای ایران رواج داشته پیوند مستقیمی با قدرت و ارادۀ اقتدارگرایی مردان داشته است. اگر نگارش اقتدارگرا را متمایل به صنعت‌ورزی، پیچیدگی و کلان‌نگری بدانیم، نوشتار ساده و بی‌پیرایه زنانه در تقابل با آن قرار می‌گیرد که در پیوند مستقیم با امور جزئی زندگی عادی است.

کتاب‌های زنان در ایرانِ سال‌های اخیر بسیار پرفروش‌تر از آثار مردان بوده است. برخی از منتقدان علت این امر را ساده‌نویسی و سبک محسوس و لذت‌بخش زنان می‌دانند. زنان از شیوه‌هایی بهره می‌گیرند که خواننده را مستقیماً مخاطب قرار می‌دهد. البته نباید از یاد برد که رواج روزافزون اندیشه‌های فمینیستی و کثرت زنان رمان‌خوان، نسبت به مردان در ایران از عوامل اصلی فروش زیاد رمان‌های زنان است و سبک ساده‌نویسی نمی‌تواند عامل تعیین‌کننده‌ای باشد.»

* ایسنا